فصلنامه علمی ـ پژوهشی تاریخ اسلام
سال بیست و یکم، شماره هشتاد و سوم
پاییز ۱۳۹۹

جستاری در چگونگی و مکان دفن حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام در منابع نخستین

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۱۵ تاریخ تأیید: ۱۳۹۹/۸/۲۷

حمزه ترابی [۱]
مجید احمدی کچایی [۲]

حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام که مقامی ویژه نزد پیامبر صلی الله علیه و آله داشت، تنها دختر ماندگار پس از رحلت آن حضرت بود که زندگی کوتاه ایشان با رویدادهای بزرگ و سرنوشت‌ساز همراه شد. کوتاه بودن مدت زندگانی آن بانوی بزرگوار و وجود جریان‌های معارض با اهل‌بیت علیهم‌السلام سبب شده است، بسیاری از رخدادهای زندگی ایشان، مانند چگونگی و مکان دفن آن حضرت به درستی آشکار نباشد. با وجود اختلاف علمای اهل سنت درباره چگونگی دفن حضرت زهرا علیهاالسلام، بیشتر آنها بر این باورند که مدفن آن حضرت علیهاالسلام در قبرستان بقیع، مکانی مشخص دارد، اما شیعیان آن قبر را متعلق به فاطمه بنت اسد می‌دانند و بر این باورند که مکان قبر آن بانو آشکار نیست. هر دو گروه در این باره، مستندات قابل توجهی ارائه کرده‌اند. این مقاله با روش تحلیلی توصیفی، این دو دیدگاه را بررسی می‌کند و به سنجش و اثبات این فرضیه می‌پردازد که قبر منسوب به ایشان در بقیع متعلق به فاطمه بنت اسد است و

۱. پژوهش‌گرمرکز تخصصی مهدویت، سطح ۳ حوزه علمیه قم (hamzehtorab@gmail.com).
۲. استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم (Ahmadi.m@isca.ir).

محدوده مدفن حضرت زهرا ﷺ در کنار روضه نبی اکرم ﷺ در بیت ایشان واقع شده است، اما محل دقیق قبر مخفی است.

کلیدواژگان: فاطمه ﷺ، قبرستان بقیع، فاطمه بنت اسد، مسجد نبوی، مدینه.

۱. ادبیات تحقیق

با وجود جایگاه ویژه حضرت فاطمه زهرا ﷺ در میان مسلمانان و وجود پژوهش‌های مهم درباره آن حضرت ﷺ، هم‌چنان چگونگی دفن و مکان قبر آن حضرت در هاله ای از ابهام قرار دارد و گمانه‌های مختلفی در این باره طرح شده است. این مقاله با جست‌وجو و بررسی نخستین منابع تاریخی و روایی به دنبال آشکار کردن این ابهام تاریخی و یا دست کم روشن‌تر شدن آن است.

به نظر می‌رسد با توجه به ابهام گسترده در میان منابع نخستین، تنها می‌توان برخی از احتمالات را در این زمینه تقویت کرد. بنابراین، نظریه این پژوهش بر این امر استوار است که مکان قبر در کنار محل روضه پیامبر اکرم ﷺ در بیت فاطمه ﷺ بوده است، اما محل دقیق آن آشکار نیست.

۲. بررسی منابع

برخی از نخستین منابع اهل سنت، مانند طبری (د. ۳۱۰ه.ق.) در کتاب تاریخی خود و بخاری (د. ۲۵۶ق.) و مسلم (د. ۲۶۱ق.) در کتاب‌های روایی خویش به تشییع شبانه و پنهان کردن قبر در همان شب اشاره دارند.[1] هم‌چنین، برخی از آنها به محل قبر اشاراتی

---

۱. طبری، *تاریخ الامم و الملوک*، ج ۶، ص ۳۲۶؛ بخاری، *صحیح بخاری*، ج ۵، ص ۱۸۲؛ مسلم، *صحیح مسلم*، ج ۵، ص ۱۵۴.

دارند. ابن‌سعد (د. ۲۳۰ق.) محل قبر را در قبرستان بقیع، منزل عقیل می‌داند.[۱] بلاذری (د. ۲۷۹ق.) و مسعودی (د. ۳۴۶ق.) قبر بالای سر عباس، عموی رسول اکرم ﷺ را که شیعه به عنوان قبر فاطمه بنت اسد می‌شناسند متعلق به حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام می‌دانند.[۲] نویسندگان بعدی اهل سنت هم به پیروی از گذشتگان خویش بر این عقیده اصرار می‌کنند و عده‌ای از آنها با استناد به وصیت امام مجتبی علیه‌السلام در دفن کنار مادر، این عقیده را تقویت می‌نمایند.[۳]

در نخستین منابع شیعه، مفید (د. ۴۱۳ق.) و طوسی (د. ۴۶۰ق.) اشاره به دفن شبانه دارند.[۴] صدوق (د. ۳۸۱ق.) و طوسی (د. ۴۶۰ق.) محل قبر را مخفی می‌دانند، اما محدوده قبر را خانه حضرت فاطمه علیهاالسلام یا روضه مبارکه بین قبر تا منبر رسول اکرم ﷺ می‌دانند و عمده دلیل آنها تمسک به روایاتی است که از زمان امام صادق علیه‌السلام به بعد وارد شده است.[۵] نویسندگان بعدی شیعه هم به پیروی گذشتگان، محل قبر را مخفی می‌دانند، اما در مورد محدوده آن سه احتمال بیت، روضه و بقیع را آورده‌اند.[۶]

۳. پیشینه بحث

کتاب مستقلی پیرامون قبر حضرت فاطمه علیهاالسلام یافت نگردید و تنها کتاب *قبر گمشده*، نوشته مرحوم داود الهامی چاپ شده در سال ۱۳۷۹، انتشارات مکتب اسلام در ظاهر

---

۱. ابن‌سعد، *طبقات الکبری*، ج۸، ص۲۹.

۲. مسعودی، *مروج الذهب*، ج۳، ص۲۸۶.

۳. سمهودی، *وفاء الوفا*، ج ۳، ص ۹۰۲.

٤. مفید، *الارشاد*، ص ۱۴۶؛ طوسی، *امالی*، ص ۱۵۶.

۵. صدوق، *امالی*، ج۲، ص۴۶۹؛ طوسی، *امالی*، ص ۱۵۶.

٦. مقدسی، *بازپژوهی تاریخ ولادت و شهادت معصومان*، ص۱۷۶.

عنوان آن به قبر مربوط است، اما به مطالب عمومی مثل تولد، زندگی، فدک و مظلومیت حضرت زهرا علیها السلام پرداخته است و کتاب مستقلی درباره قبر نیست. صفحه ۲۵ تا ۳۷ این کتاب، گزارش‌های مختلف درباره قبر را نقل نموده است و نتیجه مشخصی نگرفته است.

هم‌چنین، دو مقاله از مرحوم محمد صادق نجمی در دو شماره مجله میقات سال ۱۳۷۳و ۱۳۷۷ به چاپ رسیده است. این مقالات به نظر اصلی شیعه از بین سه احتمال نزدیک شده است و بیت فاطمه را محل قبر معرفی می‌کند، اما استفاده از منابع غیر دست اول از ضعف‌های این مقالات است و استفاده از سخنان برخی معاصران مجاور حرم رسول خدا صلی الله علیه و آله در معرفی یک قبر به عنوان قبر حضرت فاطمه علیها السلام از ارزش این اثر کاسته است. بر همین اساس، وجود مقاله‌ای علمی و مستدل لازم است که به این موضوع بپردازد.

از آن‌جا که پرداختن به مسئله قبر حضرت فاطمه زهرا علیها السلام با دفن شبانه ایشان در ارتباط است در آغاز پژوهش به گزارش‌های تاریخی این رویداد توجه می‌شود.

۴. دفن شبانه

درباره دفن شبانه و مخفیانه آن حضرت درمیان اهل سنت و شیعه اتفاق عقیده وجود دارد و شواهد تاریخی و روایی گواه این سخن است. در آثار اهل سنت، افرادی به صراحت به تشییع مخفیانه پیکر اشاره می‌کنند. برای نمونه، ابن‌سعد (د. ۲۳۰ق.) در *الطبقات الکبری* درباره دفن شبانه آن حضرت به وسیله امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام می‌نویسد:

فاطمه شبانه دفن شد، علی او را دفن نموده است.[۱]

بخاری (د. ۲۵۶ق.) و مسلم (د. ۲۶۱ق.) ضمن نقل جریان اعتراض حضرت زهرا علیها السلام به اقدام و عملکرد ابوبکر در مورد فدک و ارث رسول خدا صلی الله علیه و آله به نقل از عایشه می‌نویسند:

---

۱. ابن‌سعد، *طبقات الکبری*، ج۸، ص۲۹.

همسر فاطمه، علی او را شبانه دفن نمود و ابابکر را با خبر نساخت.[1]

بلاذری (د. ۲۷۹ق.) از اهل سنت اشاره دارد که پس از رسول اکرم ﷺ، فاطمه زهرا علیها السلام دیگر خندان دیده نشد تا فوت کرد و شوهرش، او را شبانه بدون اطلاع رسانی به ابوبکر و عمر به خاک سپرد.[2] یعقوبی (د. ۲۹۲ق.) به مخفیانه بودن مراسم تشییع اشاره می‌کند و تنها حاضران این مراسم را ابوذر و سلمان می‌داند.[3] حاکم نیشابوری (د. ۴۰۵ق.) هم مسئله تدفین شبانه را بیان می‌کند.[4] عبدالبر اندلسی (د. ۳۶۸ق.) در گزارش دفن شبانه می‌نویسد:

فاطمه به شوهرش، علی سفارش نمود او را شبانه دفن نماید.[5]

ابن‌ابی‌الحدید معتزلی (د. ۶۵۶ق.) در شرح نهج البلاغه به صراحت اشاره دارد که مخفیانه بودن خاک‌سپاری و حتی قبر، مثل روز روشن و واضح است.[6]

منابع شیعه به مخفیانه بودن خاک‌سپاری در شب تصریح دارند. مفید (د. ۴۱۳ق.) در *امالی* به دفن شبانه و مخفی کردن قبر به دست امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام اشاره می‌نماید.[7] طوسی (د. ۴۶۰ق.) نیز در *امالی* در روایتی اشاره می‌کند که عباس، عموی پیامبر ﷺ خواستار تشیع جنازه آشکار بود و امیرمؤمنان در پاسخ عمویش عباس، وصیت

---

۱. بخاری، *صحیح بخاری*، ج ۵، ص۱۸۲؛ مسلم، *صحیح مسلم*، ج۵، ص ۱۵۴.

۲. بلاذری، *جمل فی انساب الاشراف*، ج۲، ص۱۴۵.

۳. یعقوبی، *تاریخ یعقوبی*، ج۲، ص۱۱۵.

٤. حاکم، *المستدرک فی الصحیین*، ج۳، ص۱۶۲.

٥. عبد البر، *الاستیعاب فی معرفة الأصحاب*، ج ۴، ص ۳۷۹.

٦. ابن‌أبی الحدید، شرح *نهج البلاغه*، ج۱۶، ص ۲۸۰.

۷. مفید، *امالی*، ص ۱۴۶.

همسرش در مخفی ماندن مراسم تدفین را یادآوری کرد.[۱] مناقب آل ابیطالب دربـاره ایـن ماجرا می‌نویسد:

همانا فاطمه ﷺ شبانه دفن گردید.[۲]

هم‌چنین در جای دیگر همین کتاب، بحث دفن شبانه و پنهان نمودن قبر آمده اسـت که او را شبانه دفن نمود و سپس قبر را پنهان نمود و سـپس از تـاریخ طبـری هـم نقـل می‌کند که حضرت فاطمه شبانه دفن شد و کسی در تشییع جنـازه او نبـود، مگـر عبـاس، علی، مقداد و زبیر.[۳] در جای دیگر این کتاب در روایتی بیان می‌شود که اصبغ بن نباتـه از امیرمؤمنان دلیل شبانه دفن کردن را پرسید و حضرت در پاسخ او، حضـور پیـدا نکـردن افرادی که در حق همسرش ظلم کرده‌اند را دلیل آورد.[۴]

برابر برخی از روایات، امیرمؤمنان بر چهل قبر در بقیع آب پاشـید و شـبیه هفـت قبـر ایجاد کرد تا قبر حضرت زهرا ﷺ شناخته نشود.[۵] گواه این سخن، عبارت *لاتعلـم احـدا* در وصیت حضرت زهرا ﷺ است که بر مخفیانه بـودن خـاک‌سـپاری و قبـر تأکیـد دارد.[۶] در وصیت کتبی حضرت هم، دفن مخفیانه و مخفی ماندن قبر تا روز قیامت نقل شده است.[۷] با این توضیحات می‌توان تصریح کرد که در خاک‌سپاری شبانه و مخفیانه بـودن مراسـم، هیچ شکی باقی نمی‌ماند. در ادامه مقاله به بررسی مکان قبر اشاره می‌شود.

---

۱. طوسی، *امالی*، ص ۱۵۶.

۲. ابن‌شهرآشوب، *المناقب*، ج۳، ص۳۶۳.

۳. *همان*.

٤. *همان*، ص ۱۵۶.

۵. طبری، *دلایل الامامة*، ص۱۳۳؛ مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۴۳، ص ۱۸۳.

٦. *همان*؛ *همان*، ج۷۸، ص۲۱۵.

۷. مجلسی، *بحار الانوار*، ج۴۳، ص ۲۱۵.

۵. محل قبر حضرت فاطمه علیها السلام

در مورد محل قبر آن حضرت سه گمان وجود دارد.

۵-۱. قبرستان بقیع

بیشتر اهل سنت، قبرستان بقیع را مدفن آن حضرت می‌دانند. ابن‌سعد (د. ۲۳۰ه.ق.) بر این باور است که حضرت فاطمه علیها السلام در خانه عقیل در کنار قبرستان بقیع دفن شده است.[۱] مسعودی (د. ۳۴۶ه.ق.)[۲] در *مروج الذهب* به سنگ نوشته‌ای در کنار قبر چهار امام معصوم در قبرستان بقیع اشاره می‌کند که نام فاطمه بنت رسول صلی الله علیه و آله در آن درج شده است.[۳] هم چنین، ابن‌جوزی (د. ۵۹۷ه.ق.) اشاره می‌کند که حضرت فاطمه علیها السلام در بقیع مدفون است و می‌گوید که این مطلب را شاید از آن‌جا بتوان متوجه شد که علی بن ابی‌طالب علیه السلام صورت چهل قبر جدید را در بقیع احداث کرد و چون مخالفان خواستند قبور جدید را تفحص کنند، آن حضرت با آنها برخورد کرد.[۴]

اهل سنت بیشتر به بقیع اشاره دارند، اما در مورد محل دقیق قبر با اختلاف عقیده از سوی آنها روبه‌رو هستیم. برخی از نویسندگان آنها مثل سمهودی (د. ۹۱۱ه.ق.) به این مطلب اشاره می‌کنند که نویسندگان اهل سنت، گاهی می‌گویند که محل دفن فاطمه بنت اسد، مسجد فاطمه[۵] سلام الله علیها است[۶] و گاهی می‌گویند که پیکر وی در روحاء و در

۱. ابن‌سعد، *طبقات الکبری*، ج ۸، ص ۲۰.

۲. پیرامون او که شیعه یا اهل سنت است، نظراتی داده شده است که برای مطالعه بیشتر به کتاب موسی شبیری زنجانی در *جرعه ای از دریا*، ص ۱۴۵مراجعه شود.

۳. مسعودی، *مروج الذهب*، ج۳، ص۲۸۶.

٤. نقل از سمهودی، *وفاء الوفا باخبار دار المصطفی*، ج ۳، ص۹۰۲.

۵. بیت الأحزان کنار قبر شهدای احد.

٦. ابن‌شبه، *تاریخ المدینه*، ج ۱، ص ۱۲۳.

کنار قبر ابراهیم و عثمان بن مظعون دفن شده است و گـاهی مـی‌گوینـد در زاویـه خانـه عقیل، کنار قبر چهار امام معصوم است و بعضی دیگر می‌گویند در مقابل کوچه‌ای که بـه نام کوچه نبیه به خاک سپرده شده است. حتی نقل در بیت و روضه در ضـمن روایـاتی از طریق اهل سنت آمده است که در منابع آنان از امـام بـاقر و امـام صـادق ﴿؏﴾ نیـز نقـل گردیده است.[۱] وی در ادامه، بقیع را محل قبر معرفی می‌کند و قبـر فاطمـه بنـت اسـد را متعلق به حضرت زهرا ﴿؏﴾ می‌داند.[۲]

در میان اندیشمندان شیعه، اربلی (د. ۶۹۲ق.) قبرستان بقیع را محل قبـر آن حضـرت می‌داند. وی در *کشف الغمة*، عقیده خویش را به تبعیت از کتاب‌های تاریخی اهـل سـنت می‌داند و از آنها در این امر پیروی می‌کند.[۳] البته برخی روایات شیعه، نظـر اهـل سـنت را تأیید می‌کنند. برای مثال، مجلسی (د. ۱۱۱۰ق.) در روایتی نقل می‌کند که امیرمؤمنان در بقیع، حضرت فاطمه ﴿؏﴾ را دفن کرده است، اما او این نظر را نمی‌پذیرد و فقط روایـت آن را بیان می‌کند.[۴]

۵-۲. روضه مسجد رسول اکرم ﴿ص﴾

برخی از نویسندگان بر این باور هستند که آن بانو در روضه رسول خدا ﴿ص﴾ دفن شده است. طوسی (د. ۴۶۰ق.) قبر حضرت فاطمه ﴿؏﴾ را در روضه مبارکه مسجدالنبی می‌داند. می‌داند.[۵] او به حدیثی در *کافی* استناد می‌کند که از رسول خدا ﴿ص﴾ نقل شده است که بـین

۱. همان، ج ۱، ص ۱۰۶، ۱۰۷.

۲. سمهودی، *وفاء الوفا*، ج ۳، ص ۹۰۲.

۳. اربلی، *کشف الغمة*، ج ۱، ص ۵۰۱.

٤. مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۴۳ ص ۲۴۳.

۵. طوسی، *امالی*، ۱۴۱۴، ص ۱۰۹.

قبر و منبر را روضه مبارکه، معرفی کردند.[۱] یکی از مؤیدات این باور این است که امیرالمؤمنین حضرت علی علیه‌السلام بعد دفن حضرت فاطمه علیهاالسلام رو به قبر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نمود و به ایشان و دخترش، سلام کرد و فرمود:

سلام بر توای رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و بر دخترت که در جوار تو آرمیده است.[۲]

درکتاب *کافی*، پیش از سلام دادن امیرالمؤمنین حضرت علی علیه‌السلام به مخفی کردن قبر هم اشاره می‌شود.[۳] هم‌چنین، با بررسی منابع اهل سنت این نکته آشکار می‌شود که در میان ایشان، کسی به این گمان اشاره نمی‌کند.

۵-۳. بیت فاطمه علیهاالسلام

برخی بر این باور هستند که حضرت فاطمه علیهاالسلام در خانه خویش[۴] دفن شده است که نشانه‌های فراوانی این سخن را قوت می‌بخشد. برای مثال، امیرالمؤمنین حضرت علی علیه‌السلام پس از دفن بدن حضرت فاطمه علیهاالسلام از جای برخاست و رو به قبر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود:

درود من بر تو باد، ای فرستاده الهی که اکنون دخترت در جوار تو فرود آمده است.[۵]

هم‌چنین می‌دانیم که خانه حضرت فاطمه علیهاالسلام در مجاورت روضه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله قرار داشت و برخی از علمای شیعه به صراحت، بیت را محل قبر معرفی می‌کنند که به برخی از آنها اشاره می‌گردد. صدوق (د. ۳۸۹ق.) بیت را محل قبر می‌داند و در این باره می‌نویسد:

---

۱. کلینی، *کافی*، ۱۴۰۷، ج۴، ص۵۵۴.

۲. فیض الاسلام، *نهج البلاغه*، ص۶۵۲، خطبه۱۹۵.

۳. کلینی، *کافی*، ج۱، ص۴۵۹.

۴. خانه مشترک او و همسرش.

۵. فیض الاسلام، *نهج البلاغه*، ص۶۵۲، خطبه۱۹۵.

برایم ثابت شده که فاطمه سلام الله علیها را در خانه‌اش به خاک سپرده‌اند و پس از آن‌که مسجد را توسعه دادند، قبر آن بانو در مسجد واقع شده است. من سالی که به سفر حج رفتم در مدینه رو به سوی خانه فاطمه کردم و در آن‌جا زیارت فاطمه را به جای آوردم.[۱]

طوسی (د. ۴۶۰ق.) در کنار نظریه روضه، بیت را هم محتمل می‌داند و یادآور می‌شود که زیارت حضرت فاطمه علیها السلام بهتر است در هر دو مکان خوانده شود و در ادامه بیان خویش، رأی کسانی که قبرستان بقیع را قبول دارند، نمی‌پذیرد.[۲]

سید بن طاووس (د. ۶۶۴ق.) با روایتی از امام هادی علیه السلام همین عقیده را تأیید می‌کند. او نقل می‌کند که شخصی[۳] به حضرت هادی علیه السلام نامه نوشت و از ایشان درخواست مشخص کردن قبر را داشت. آن حضرت در جواب فرمود:

او در کنار جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله مدفون هست.[۴]

اندیشمندان معاصر، سید محسن امین عاملی (۱۳۷۷ه.ق.) در این باره می‌نویسد:

آن حضرت در خانه‌اش به خاک سپرده شد و این قول به صحت نزدیک‌تر است.[۵]

در ادامه لازم است به بررسی روایاتی از معصومین علیهم السلام درباره قبر بپردازیم که بیت و روضه را محل قبر می‌دانند. در مورد بیت، دو دسته روایات اصلی وجود دارد. یک روایت

---

۱. صدوق، *امالی*، ج ۲، ص ۴۶۹.

۲. طوسی، *امالی*، ص ۱۰۹.

۳. ابراهیم بن محمد همدانی، وکیل ناحیه و صحابی امام رضا و امام جواد و امام هادی علیهم‌السلام.

٤. ابن‌طاووس، *اقبال الاعمال*، ج ۲، ص ۶۲۳.

۵. امین عاملی، *اعیان الشیعة*، ج ۱، ص ۳۲۲.

که از امام صادق علیه‌السلام در مورد قبر پرسیده شده است و حضرت پس از این‌که شخصی ادعا کرد، او در بقیع است، پاسخ دادند که در بیت است. این روایت در *قرب الاسناد* حمیری وجود دارد[۱] و با سندی که حر عاملی[۲] بیان می‌کند، تمامی راویان آن، ثقه و مورد تأیید هستند،[۳] پس روایت صحیح و قابل پذیرش است.

دسته دوم، روایت‌هایی است که بیت را تأیید می‌کنند. مثل روایت امام رضا علیه‌السلام که اشاره دارد قبر مادرشان، حضرت فاطمه علیهاالسلام در خانه ایشان بود که در زمان بنی‌امیه، بیت تخری شد و به مسجد اضافه گردید.[۴] همین روایت را صدوق (۳۸۱ق.) در کتاب *عیون* با سند کامل می‌نویسد،[۵] اما با توجه به ضعف سهل بن زیاد، روایت ضعیف حساب می‌شود. اندیشمندان بعدی، همین روایت را در کتاب‌های خویش با این سند نقل نموده‌اند.[۶]

---

۱. حمیری، *قرب الاسناد*، ص۳۶۷.

۲. رعاملی، *وسایل الشیعه*، ج ۱۰، ص۲۱۱.

۳. بررسی سند حدیث: عبد الله بن جعفر الحمیری، قمی، ثقة (طوسی، *رجال الطوسی*، ص۴۰۰)؛ محمد بن عیسی بن عبیدبن یقطین بن موسی، جلیل فی (من) أصحابنا، ثقة، عین، کثیر الروایة (النجاشی، *رجال النجاشی*، ص۳۳۳)؛ أحمد بن محمد بن أبی نصرالبزنطی، مولی السکونی (السکون)، ثقة، جلیل القدر (طوسی، *رجال الطوسی*، ص۳۳۲).

٤. کلینی، *کافی*، ج ۱، ص۴۶۱؛ ج ۲، ص۴۹۸.

۵. حدثنا أبی و محمد بن الحسن بن أحمد [بن] الولید رضی الله عنهما و أحمد بن محمد بن یحیی العطار و محمد بن علی ماجیلویه و محمد بن موسی بن المتوکل رضی الله عنهم قالوا حدثنا محمد بن یحیی العطار و أحمد بن إدریس جمیعا عن سهل بن زیاد الآدمی عن أحمد بن محمد بن أبی نصر البزنطی قال: سألت أبا الحسن علی بن موسی الرضا ع عن قبر فاطمة ع فقال دفنت فی بیتها فلما زادت بنو أمیة فی المسجد صارت فی المسجد (صدوق، *عیون الاخبار الرضا*، ج ۱، ص۳۱۱).

٦. شیخ طوسی همین روایت را از صدوق نقل می‌کند در *تهذیب الأحکام* (تحقیق خرسان)، ج ۳، ص۲۵۶؛ علامه مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۴۳، ص۱۸۵؛ حر عاملی، *وسائل الشیعة*، ج ۱۴، ص۳۶۹.

روایت دوم که صدوق (د. ۳۸۹ق.) نقل می‌کند، ضعیف است، اما اگر روایت اول را که *قرب الاسناد* با سند صحیح می‌آورد، دلیل و این روایت را مؤید قرار دهیم، عقیده قرار داشتن محل دفن در بیت، طبق روایت تقویت می‌شود. هم‌چنین، در مورد روایات محل روضه، دو حدیث وجود دارد.

روایت اول، حدیثی است که طوسی (۴۶۰ق.) از رسول خدا ﷺ نقل می‌کند و آن را دلیلی برای بودن قبر در روضه می‌داند و صدوق آن را با سند کامل در دو جا نقل می‌کند.[1] هم‌چنین، روایت دومی را که به بودن قبر در روضه اشاره دارد، سید بن طاوس (۶۶۴ق.) از امام هادی ﷺ نقل می‌کند.[2] این روایت را ابن‌شهر اشوب هم بیان می‌کند.[3]

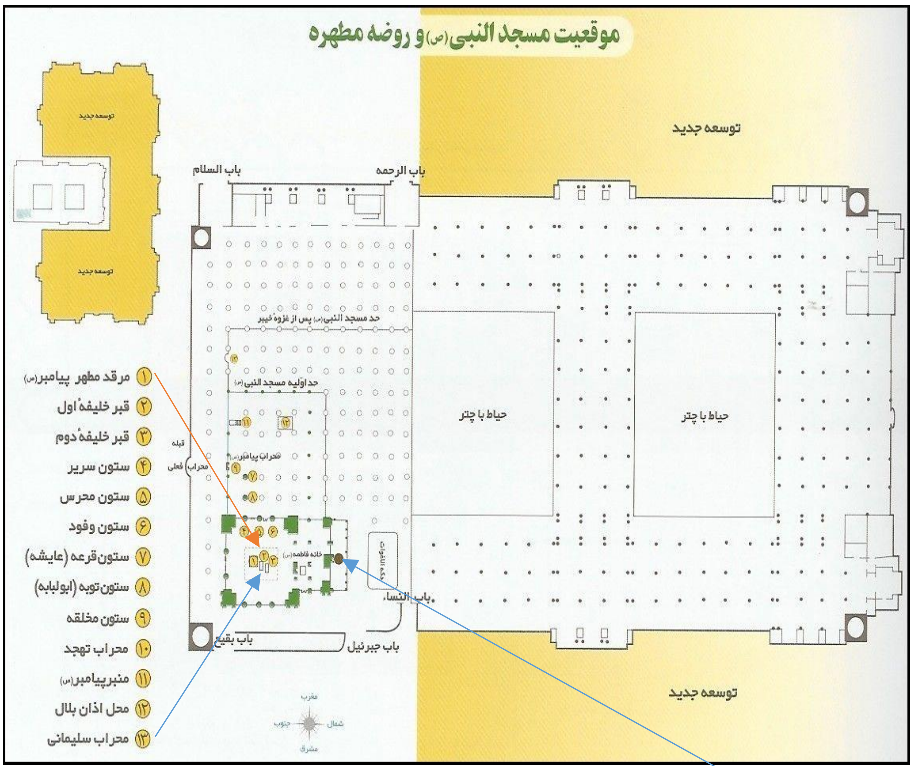
با توجه به صحیح بودن روایات بیت و روضه و با توجه به اضافه شدن بیت به روضه در زمان بنی امیه، می‌توان گفت که قبر حضرت فاطمه ﷺ در همین محدوده قراردارد، اما محل دقیق قبر مخفی است و نمی‌توان هیچ مکان مشخصی را نشان داد و به نام قبر معرفی کرد. در نقشه پایین موقعیت روضه و بیت در شهر مدینه مشخص شده است.

---

۱. صدوق(ره): حدثنا محمد بن موسی بن المتوکل رضی الله عنه قال حدثنا علی بن الحسین السعدآبادی عن أحمد بن أبی عبد الله البرقی عن أبیه عن ابن أبی عمیر عن بعض أصحابنا عن أبی عبد الله ع قال قال رسول الله ص ما بین قبری و منبری روضة من ریاض الجنة و منبری علی ترعة من ترع الجنة لأن قبر فاطمة ص بین قبره و منبره و قبرها روضة من ریاض الجنة و إلیه ترعة من ترع الجنة (صدوق، *معانی الأخبار*، ص۲۶۷؛ صدوق، *من لا یحضره الفقیه*، ج۲، ص۵۶۸).

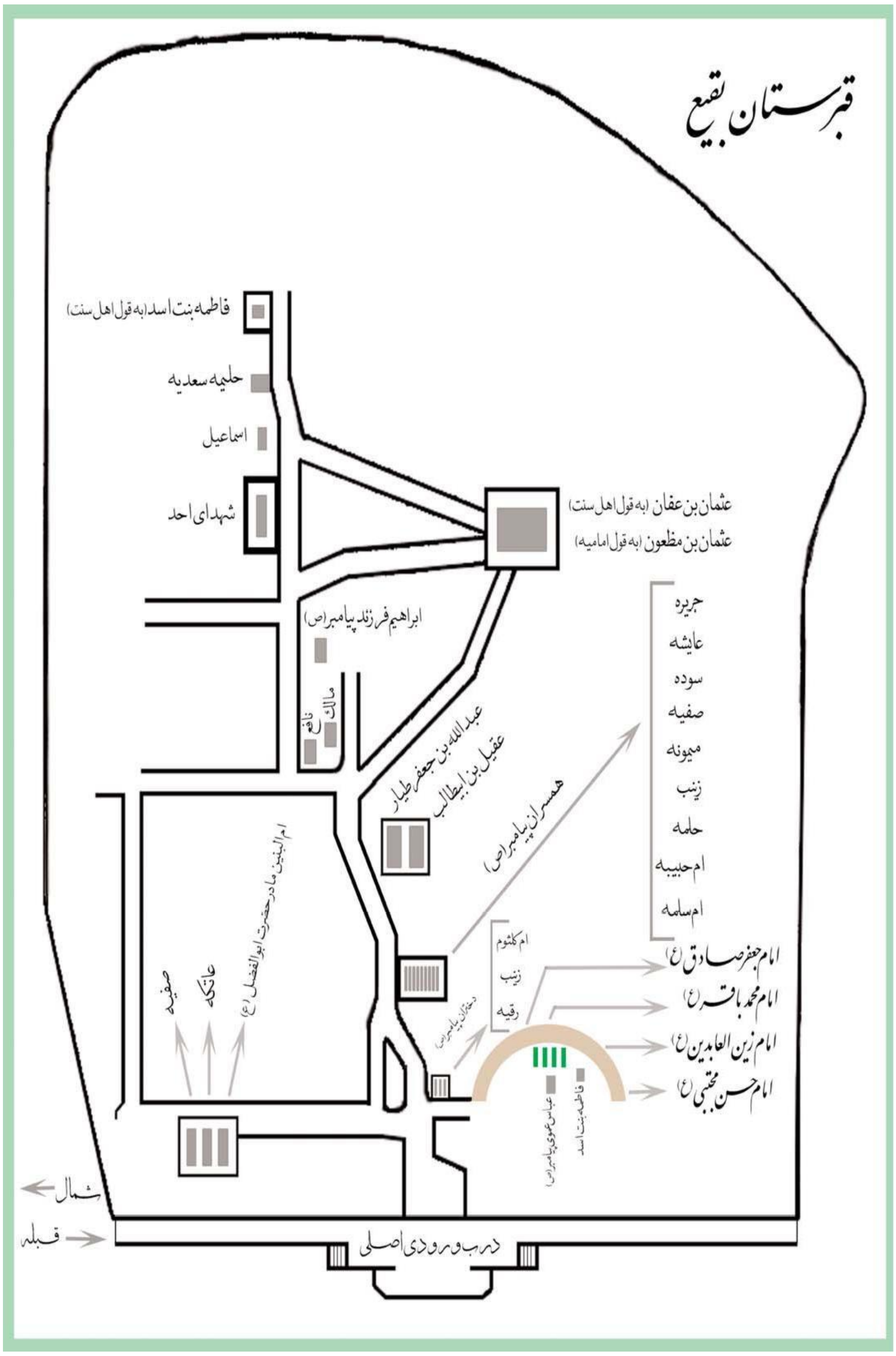
۲. هی مع جدّی صلوت اللّه علیه (ابن‌طاوس، *اقبال الاعمال*، ص۶۲۳).

۳. ابن‌شهرآشوب، *المناقب*، ج۳، ص۳۶۵.



محدوده خانه حضرت زهرا علیها السلام با فلش مشخص شده است که اکنون در مسجد قرار دارد و شمال قبر پیامبر صلی الله علیه و آله است روبه‌روی باب جبرییل که صدوق هم آدرس می‌دهد.[1] باتوجه به صحیح بودن هردو دسته روایات روضه و بیت باید بین روایات جمع نمود و گفت که در هر دو مکان که الان یکی شده است، احتمال بودن قبر وجود دارد، اما جای دقیق قبر به هیچ وجه مشخص نیست.

۱. www. hajj.ir، زمان مراجعه ۲۵ آذر ۱۳۹۵.


قبرستان بقیع
فاطمه بنت اسد (به قول اهل سنت)
حلیمه سعدیه
اسماعیل
شهدای احد
عثمان بن عفان (به قول اهل سنت)
عثمان بن مظعون (به قول امامیه)
ابراهیم فرزند پیامبر(ص)
نافع
مالک
عبدالله بن جعفر طیار
عقیل بن ابیطالب
همسران پیامبر(ص)
جریره
عایشه
سوده
صفیه
میمونه
زینب
حلمه
ام حبیبه
ام سلمه
ام کلثوم
زینب
رقیه
دختران پیامبر(ص)
امام جعفر صادق(ع)
امام محمد باقر(ع)
امام زین العابدین(ع)
امام حسن مجتبی(ع)
عباس عموی پیامبر(ص)
فاطمه بنت اسد
ام البنین مادر حضرت ابوالفضل (ع)
عاتکه
صفیه
شمال
قبله
درب ورودی اصلی

۶. نقد انتساب قبر فاطمه بنت اسد به حضرت زهرا علیهاالسلام

سمهودی پیرامون قبور در بقیع می‌نویسد:

از قبور واقع در بقیع، قبر فاطمه دختر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله است و آن در داخل قبه عباس و در کنار قبر فرزندش حسن علیه‌السلام واقع گردیده؛ زیرا نقل شده است که حسن بن علی به هنگام وفاتش وصیت نمود که مرا در کنار قبر مادرم فاطمه به خاک بسپارید.[1]

اگر طرف‌داران این دیدگاه، دلیلی برای نظریه خود بیان نمی‌کردند، پذیرش گفتار آنها به عنوان یک تاریخ نگار پذیرفتنی بود، ولی آنان، وصیت حضرت مجتبی علیه‌السلام را دلیل و مستند خود بیان می‌کنند که فرمود: اگر از دفن شدن من در کنار جدم مانع گشتند در کنار قبر مادرم، فاطمه به خاکم بسپارید. سایر مورّخان نیز با توجه به نقل این وصیت در کنار بیان عقیده خویش، به همین دلیل توجه می‌کنند.[2]

پاسخ اول به این نظریه این است که برخی از علمای اهل سنت، مثل ابن‌ابی‌الحدید (۶۵۶ق.) در وصیت امام مجتبی علیه‌السلام، برخلاف ادعای سمهودی مطلبی آورده است که اشاره دارد، امام مجتبی علیه‌السلام فرموده بود که من را در کنار قبر جدم دفن کنید[3] و حرفی از دفن در کنار مادر نیامده است.

پاسخ دوم این‌که هیچ مورخی قبر عباس، عموی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله را نزد مدفن فاطمه زهرا علیهاالسلام نمی‌داند و قبر عموی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را در مقبره بنی هاشم، نزد چهار امام

۱. سمهودی، *وفاء الوفا*، ج ۳، ص ۸۵۶.

۲. نجمی، ر.ک: *میقات حج*، ۱۳۷۳.

۳. ابن‌أبی‌الحدید، *شرح نهج البلاغه*، ج ۱۶، ص ۱۴.

معصوم علیهم السلام می‌دانند. طبری، مورخ اهل سنت و ابن‌سعد هر دو اشاره می‌کنند که عباس، عموی پیامبر صلی الله علیه و آله در قبرستان بقیع در مقبره بنی هاشم دفن شده است.[۱]

از سویی دیگر، برخی از تاریخ نگاران اهل سنت تصریح دارند، قبر عباس کنار فاطمه بنت اسد بوده است که سمهودی هم از آنها است. وی از ابن‌شبه در این باره نقل می‌کند:

دفن عباس بن عبدالمطلب عند قبر فاطمة بنت اسد بن هاشم فی اول مقابر بنی‌هاشم التی فی دار عقیل.[۲]

با این توصیف، دیگر مجالی برای انتساب قبر فاطمه بنت اسد به دختر پیامبر صلی الله علیه و آله نمی‌ماند. ابن‌حبان (د. ۳۵۴ه) از محدّثان اهل سنت تصریح می‌کند که امام حسن در بقیع نزد جده اش، دفن شده است و در این باره می‌نویسد:

دفن بالبقیع عند جدّته فاطمة بنت اسد بن هاشم.[۳]

پاسخ سوم این‌که مفید (۴۱۳ق.) در سه جای کتاب *ارشاد* تصریح دارد که امام حسن علیه السلام کنار قبر فاطمه بنت اسد در بقیع دفن شده است.[۴] پاسخ چهارم این‌که در کتاب *کافی* در وصیت امام حسن علیه السلام تصریح می‌گردد که وداع با رسول خدا صلی الله علیه و آله و حضرت زهرا علیها السلام انجام شود و سپس او را به بقیع ببرند.[۵]

---

۱. ابن‌سعد، *طبقات الکبری*، ج۴، ص۲۲؛ طبری، *تاریخ طبری*، ج۱۱، ص۵۰۴.

۲. ابن‌شبه، *تاریخ المدینة*، ج ۱، ص ۱۲۷.

۳. سمهودی، *وفاء الوفا*، ج ۳، ص ۹۱۰.

٤. مفید، *الارشاد*، ج۲، ص۱۷، ۱۵، ۱۸.

۵. کلینی، *کافی*، ج۳، ۳۵۶.

پس نتیجه می‌گیریم که فقط برخی تاریخ نگاران اهل سنت بـه اشـتباه، قبـر فاطمـه بنت اسد را منسوب به حضرت زهرا علیهاالسلام می‌داننـد و روشـن اسـت کـه قبـر کنـار چهـار امام معصوم علیهم‌السلام در بقیع، قبر فاطمه بنت اسد است.

خانه حضرت فاطمه علیهاالسلام در کنار روضه رسـول اکـرم صلی‌الله‌علیه‌وآله بـود، امـا در زمـان ولیـد بـن عبدالملک به وسیله عمر بن عبدالعزیز تخریب شد و به روضه مسجد النبی اضافه گردیـد. در سال ۸۸ قمری، ولید بن عبدالملک (۸۶-۹۶ق.) به عمر بن عبدالعزیز (د. ۱۰۱ق.) والی خود در مدینه، دستور داد همه خانه‌های اطراف مسجد النبی را که متعلّـق بـه همسـران، اقوام و صحابه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله بود تخریب کند و به مسجد ضمیمه نماید. او در نامه خـود تأکید کرده بود که هر یک از مالکان این خانه ها، با فروش خانـه‌اش موافقـت کـرد از او خریداری شود و هرکس مخالفت نماید، قیمت خانه پرداخت گـردد و بـدون رضـایت وی ویران شود.[1]

حسن مثنی و همسرش، فاطمه بنت الحسین با این دستور مخالفت کردنـد و از تـرک نمودن این حجره امتناع ورزیدند. مأمورین ولید، وارد خانه شدند و در اجرای فرمان ولیـد، فرش از زیر پای حسن و فاطمه کشیدند. آنان به اجبار این حجره را ترک کردند و به خانه دیگری که متعلق به امیرالمؤمنین حضرت علی علیه‌السلام بود، منتقل گردیدند.[2]

هنگام تخریب این حجره‌ها، خبیـب بـن عبداللّـه (د. ۸۸ق)[3] بـه عمـر بـن عبـدالعزیز اعتراض نمود و او دستور داد در روزی سرد بر بدن خبیب، آب بریزند و یک صـد تازیانـه بزنند که وی در اثر این شکنجه از دنیا رفت. عمر بن عبدالعزیز بعدها از این اقـدام خـود، اظهار ندامت می‌نمود و می‌گفت:

---

۱. ذهبی، *تاریخ الاسلام و صفات المشاهیر و الاعلام*، ج ۶، ص ۲۷.

۲. سمهودی، *وفاء الوفا*، ج ۲، ص ۴۶۶.

۳. خبیب بن عبدالله بن زبیر از زبیران بوده است.

ای کاش! خبیب را نمی‌کشتم.[۱]

ولید با تخریب این خانه‌ها، مسجد را توسعه داد و از پادشاه روم جهت بنّایی و زیباسازی آن استمداد نمود و از معمار و کارگران مسیحی استفاده کرد.[۲] از متون تاریخی و مشابه آنها معلوم می‌شود که امیرمؤمنان علیه السلام علاوه بر بیت و حجره کنار مسجد که با تعبیر بیت فاطمه در متون روایی و تاریخی معرفی شده است، منزل دیگری با تعبیر دارعلی در اختیار داشته است که در نزدیکی بقیع قرار گرفته بود.

با توجه به قوی‌تر بودن احتمال این‌که قبر حضرت فاطمه علیها السلام در بیت یا روضه بوده است، برای توجیه تشییع پیکر مقدس می‌توان احتمال داد که مراسم تشییع شبانه از خانه کنار بقیع به سمت بیت فاطمه در کنار مسجد رخ داده است، ولی هیچ مستند تاریخی محکمی بر این مطلب نمی‌توان یافت. مگر این که داشتن دو خانه، یکی کنار بقیع در محله بنی هاشم و دیگری بیت فاطمه در کنار مسجد برای امیرمؤمنان علیه السلام اثبات شود که به برخی از این شواهد می‌پردازیم.

۷. شواهد دار علی در کنار بقیع

ابن‌نجار (د. ۶۴۳ ق.) درشرح محدوده خانه‌های کنار بقیع از سعید بن جبیر (د. ۹۵ق.) می‌نویسد:

قبر حسن بن علی را در اول کوچه‌ای که در میان خانه نبیه و خانه علی بن ابیطالب قرار دارد، مشاهده نمودم.[۳]

---

۱. یعقوبی، *تاریخ یعقوبی*، ج ۲، ص۲۴۸؛ ابن‌عساکر، *تاریخ مدینة الدمشق*، ج ۲۶، ص۳۱۷.

۲. طبری، *تاریخ طبری*، ج ۶، ص۴۳۵.

۳. سمهودی، *وفاء الوفا*، ج ۱، ص ۵۴.

ابن‌نجار اشاره به تخریب این منزل می‌کند.[۱] در مورد تخریب بیت فاطمه علیها السلام آمده است که حسن بن حسن و همسرش، فاطمه بنت الحسین چون مجبور به ترک حجره فاطمه شدند، این حجره را ترک کردند و به دار علی منتقل شدند.[۲] هم‌چنان که مشخص است حجره نزدیک قبر پیامبر صلی الله علیه و آله همان بیت فاطمه علیها السلام بوده است و با دار علی که کنار بقیع است، فرق می‌کند.

دار علی، خانه کنار بقیع مانند سایر املاک و باغات، جزئی از صدقات و موقوفات آن حضرت بود که تولیت این خانه را به ترتیب به فرزندان خویش، امام مجتبی علیه السلام و امام حسین علیه السلام سپردند. منابع تاریخی، مانند تاریخ ابن‌شبه به این امر اشاره می‌کنند و متن وقف نامه آن حضرت را که در سال ۳۹هجری تنظیم شده بود، نقل می‌کنند و از جملات این وقف‌نامه، اشاره به وقف خانه بعد از امیرالمؤمنین به فرزندان ایشان است.[۳]

در *تاریخ طبری* و *الطبقات الکبری* در ذیل محل دفن ابوسفیان بن الحارث، مطلبی نقل شده است که به صراحت درباره خانه امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام که کنار خانه عقیل در کنار قبرستان بقیع بود، خبر می‌دهد.[۴] ابن‌شبه (۲۶۲ق.) در این مورد اشاره می‌کند که حضرت علی علیه السلام دو خانه داشته است.[۵]

---

۱. *همان*، ص۵۴.

۲. فخرجوا منه حتی اتو دار علی نهاراً، *همان*، ص ۴۶۶.

۳. ابن‌شبه، *تاریخ المدینة*، ج ۱، ص ۲۱۹ – ۲۲۹.

٤. و مات أبو سفيان بالمدينة بعد أخيه نوفل بن الحارث بأربعة أشهر إلا ثلاث عشرة ليلة. و يقال بل مات سنة عشرين و صلى عليه عمر بن الخطاب و قبر فی ركن دار عقيل بن أبی طالب بالبقيع... و كانت داره قريبا من دار عقيل بن أبی طالب و هی الدار التی تدعی دار الكراحی. و هی حديدة دار علی بن أبی طالب (ابن‌سعد، *طبقات الکبری*، ج ۴، ص۴۰؛ طبری، *تاریخ طبری*، ج۱۱، ص۵۰۳).

۵. واتخذ علی بن ابیطالب بالمدینة دارین احدایهما دخلت فی مسجد رسول اللّه صلی الله علیه و آله و هی منزل فاطمة بنت رسول اللّه التی تسکن فیها و الأخری دار علی التی بالبقیع و هی بایدی ولد علی علی حوزالصدقة (ابن‌شبه، *تاریخ المدینة*، ج۱، ص۲۲۹).

تاریخ‌نگاران گزارش می‌دهند که امام سجاد علیه السلام در مدینه در منزلی که به او ارث رسیده بود و به امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام تعلق داشت در حال قدم زدن بود که سنگ نوشته‌ای را مشاهده کرد که کمی از خاک بیرون آمده بود و آن را دوباره مخفی کرد. روی آن سنگ نوشته شده بود:

این قبر رمله بنت صخر است.[1]

این خانه که این اتفاق در آن ثبت شده است، بیت فاطمه علیها السلام نبوده است؛ چراکه پیش از این گذشت که در سال ۸۸قمری بیت فاطمه تخریب شد و به فضای مسجد اضافه گردید. بنابراین، جریان سنگ نوشته مربوط به خانه دوم در کنار بقیع بوده است. طبری (۳۱۰ق.) در نقل وقایع سال ۱۴۵قمری و قیام محمد بن عبدالله (د. ۱۴۵ق.) به دفن شدن آن حضرت در قبرستان بقیع درکنار منزل حضرت علی علیه السلام اشاره می‌کند.[2]

هم‌چنین در سه کتاب اهل سنت از یکی از افراد مدینه به نام عبیدالله بن عدی المختار یاد شده است که در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله متولد شده بود و محل دفن او در نزدیکی خانه امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام در کنار بقیع قرار داشت.[3]

امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام دو خانه داشتند. خانه اول، کنار مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله قرار داشت که حجره مانند و معروف به بیت فاطمه بود. این بیت درکنار حجره‌های همسران پیامبر صلی الله علیه و آله که رو به مسجد النبی بودند، واقع شده بود. هم‌چنان که حجره‌های همسران پیامبر صلی الله علیه و آله در نام‌گذاری، منسوب به زنان او بوده است، مثل بیت عایشه. طبیعی است که از این حجره با تعبیر بیت فاطمه در متون تاریخی و روایات یاد شود.

۱. عبدالبر، *الاستیعاب*، ج۴، ص۱۸۴.

۲. طبری، *تاریخ طبری*، ج۷، ص۶۰۱.

۳. ابن‌سعد، *طبقات الکبری*، ج۵، ص۳۶.

هم‌چنین، امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام خانه دومی نزدیک بقیع، مشهور بـه دار علـی داشتند. این خانه دوم در کنار منزل عقیل قرار داشت و می‌تـوان احتمـال داد کـه مراسـم تجهیز و تشییع آن بانوی مکرمه، مربوط به منزل دوم بوده است و از آن‌جا به سمت منزل اول تشییع شده است و در بیت فاطمه، کنار مسجد دفن شده است؛ چراکه با پذیرفتن بیت فاطمه برای مدفن، دیگر نیازی به تشیع جنازه نبوده است، امـا اگـر ایـن احتمـال را هـم نپذیریم، اشکالی بر مراسم تشـییع وارد نیسـت. شـاید بـرای سـاختن قبرهـای نمـادین و سردرگم نمودن مردم در شناسایی محل اصلی قبر، چنین کاری شده است.

۸. علامت قبر کنار روضه فعلی آیا همان قبر حضرت زهرا علیها السلام است؟

عده‌ای با استناد به برخی معاصرین می‌خواهند که کنار مرقـد شـریف پیـامبر اکـرم صلی الله علیه و آله در قسمت مقصوره که بیت حضرت فاطمه بوده است و محرابی را که در آن است به عنـوان قبر حضرت فاطمه علیها السلام نشان دهند[۱] که این پنداشت نادرسـت بـه سـمهودی (د. ۹۱۱ق.) استناد می‌شود. وی در این باره می‌نویسد:

> *در زمان فعلی، خانه فاطمه در داخل مقصوره و محدوده واقـع شـده اسـت و دارای محرابی است که در پشت حجره پیامبر صلی الله علیه و آله قرار گرفته است.*[۲]

مقصوره که قبل از تاریخ نصب شبکه در اطراف بیت فاطمه بوده است، همان دیواری است که در زمان عمر بن عبدالعزیز در قسمت شمالی مرقد شریف نبوی صلی الله علیه و آله ایجـاد شـده بود که با نصب شبکه، این دیواره نیز برداشته شده است و هیچ ربطی به محل قبر نـدارد. سمهودی (د. ۹۱۱ق.) در این باره می‌نویسد:

---

۱. نجمی، *میقات حج*، ۱۳۷۳.

۲. سمهودی، *وفاء الوفا*، ج ۲، ص ۶۰۴.

محرابی که در پشت حجره عایشه قرار دارد در قسمت مقدم این محراب، محلی هست که مردم، آن‌جا را به عنوان قبر فاطمه علیها السلام می‌شناسند و برای این نقطه احترام زیادی قائل هستند و از قدم گذاشتن بر این محوطه امتناع می‌ورزند.[1]

همان‌گونه که او اشاره می‌کند در داخل بیت فاطمه، نقطه مشخصی به عنوان محل قبر آن حضرت شناخته می‌شده است. با این حال، گروه قابل توجهی این مکان را فاقد اعتبار می‌دانند و برای این علامت، هیچ اعتبار تاریخی قائل نیستند.[2]

۹. نتیجه

برخی اندیشمندان اهل سنت بر این باورند که قبر حضرت زهرا علیها السلام مخفی نبوده است و قبر مشهور به فاطمه بنت اسد، همان قبر حضرت زهرا علیها السلام است، اما بیشتر منابع آنها تأکید دارند که مدفن فاطمه بنت اسد در بقیع در کنار قبر چهار امام معصوم علیهم السلام و قبر عباس عموی پیامبر صلی الله علیه و آله قرار دارد.

هم‌چنین، اندیشمندان شیعه درباره قبر حضرت فاطمه زهرا علیها السلام سه عقیده دارند و بقیع یا روضه نبی اکرم صلی الله علیه و آله یا بیت فاطمه علیها السلام را مدفن ایشان می‌پندارند. با واکاوی نخستین منابع تاریخی و روایی به نظر می‌رسد که مدفن آن بانوی بزرگ‌وار در محدوده روضه پیغمبر صلی الله علیه و آله و در بیت فاطمه علیها السلام قرار دارد.

در زمان کنونی، محل دقیق بیت آشکار نیست؛ چراکه این مکان در گذشته تخریب شده است و به مسجد نبوی اضافه گردیده است. بدین ترتیب از زمان امام رضا علیه السلام به بعد

۱. *همان*، ج۲، ص ۴۶۹.

۲. امین عاملی، *اعیان الشیعة*، ج۱، ص۳۲۲؛ یدالله مقدسی، *بازپژوهشی تاریخ ولادت و شهادت معصومان*، ص ۱۷۶.

از سوی امامان معصوم ﷺ، اشاراتی درباره محدوده قبر شده است، اما به طور دقیق، هیچ محلی به عنوان محل دقیق قبر معرفی نشده است.

منابع

۱. قرآن کریم.

۲. ابوالزید، عمرو بن شبه النمیری البصری (۲۶۲ق)، *تاریخ المدینة*، دار الفکر، قم: ۱۴۱۰.

۳. ابن‌أبی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، *شرح نهج البلاغة لابن‌أبی الحدید*، ۱۰جلد، قم: مکتبة النجفی، ۱۴۰۴ق.

۴. ابن‌اثیر، عز الدین أبو الحسن علی بن ابی الکرم المعروف بابن‌الأثیر، *الکامل فی التاریخ*، بیروت: دار صادر - دار بیروت، ۱۹۶۵م.

۵. ابن‌بابویه، محمد بن علی، *کمال الدین*، ترجمه محمد باقر کمره‌ای، ۲جلد، تهران: اسلامیه، ۱۳۷۷.

۶. ابن‌بابویه، *من لا یحضره الفقیه*، ترجمه علی اکبر غفاری و دیگران، ۶جلد، تهران: نشر صدوق، ۱۳۶۷.

۷. ابن‌بابویه، محمد بن علی، *معانی الأخبار*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۳ق.

۸. ابن‌جوزی، ابوالفرج، *المنتظم فی التاریخ الامم والملوک*، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۲ق.

۹. ابن‌سعد، محمد بن سعد بن منیع الهاشمی البصری، *الطبقات الکبری*، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۰ق.

۱۰. ابن‌عساکر، علی بن حسن هبةالله ابن‌عبدالله شافعی، *تاریخ مدینة الدمشق*، بیروت: دار الاحسان، ۱۴۰۳ق.

۱۱. ابن‌قولویه، جعفر بن محمد، *کامل الزیارات*، نجف: دار المرتضویة، ۱۳۵۶.

۱۲. ابن‌طاووس، علی بن موسی، *إقبال الأعمال*، ۲جلد، چاپ دوم، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۰۹ ق.

۱۳. ابن‌شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، *مناقب آل أبی طالب علیهم السلام*، ۴جلد، قم: علامه، ۱۳۷۹ ق.

۱۴. الحر عاملی، محمد بن حسن، *إثبات الهداة بالنصوص و المعجزات*، ۵جلد، بیروت: اعلمی، ۱۴۲۵ق.

۱۵. اربلی، علی بن عیسی، *کشف الغمة*، ترجمه و شرح زواره‌ای، ۳جلد، چاپ سوم، تهران: انتشارات اسلامیه، ۱۳۸۲.

۱۶. امین عاملی، السید المحسن، *اعیان الشیعة*، بیروت: دار التعارف، ۱۴۰۳ق.

۱۷. بخاری، محمد بن اسماعیل، *صحیح بخاری*، استانبول: دار الفکر، ۱۴۰۱ق.

۱۸. بلاذری أحمد بن یحیی بن جابر البلاذری، *کتاب جمل من انساب الأشراف*، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۷ق/۱۹۹۶م.

۱۹. حلی، حسن بن علیّ بن داود، *الرجال (لابن‌داود)*، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۲.

۲۰. حمیری، عبد الله بن جعفر، قرب الإسناد، قم: مؤسسة آل البیت علیهم السلام، ۱۴۱۳ ق.

۲۱. ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد عثمان، *تاریخ الاسلام و صفات المشاهیر و الاعلام*، ۲۰جلد، بیروت: دار الکتب العربی، ۱۴۱۱ق.

۲۲. طبرسی، فضل بن حسن، *إعلام الوری بأعلام الهدی*، چاپ سوم، تهران: اسلامیه، ۱۳۹۰ ق.

۲۳. طبرسی، احمد بن علی، *الإحتجاج علی أهل اللجاج*، ۲جلد، مشهد: نشر مرتضی، ۱۴۰۳ ق.

۲۴. طبری، ابو جعفر محمد بن جریر، *تاریخ الأمم و الملوک*، تحقیق محمد أبو الفضل ابراهیم، چاپ دوم، بیروت: دار التراث، ۱۹۶۷م.

۲۵. طبری، ابو جعفر محمد بن جریر، *تاریخ طبری*، ترجمه پاینده ابولقاسم، نشر الکترونیک، تهران: ۱۳۸۹

۲۶. طبری آملی صغیر، محمد بن جریر بن رستم، *دلائل الإمامة*، ۱جلد، قم: بعثت، ۱۴۱۳ق.

۲۷. طوسی، محمد بن الحسن، الأمالی، ۱جلد، قم: دار الثقافة، ۱۴۱۴ق.

۲۸. طوسی، محمد بن الحسن، *رجال الطوسی*، ۱جلد، چاپ سوم، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۳۷۳.

۲۹. شباب، أبو عمرو خلیفة بن خیاط اللیثی الملقب بشباب، *تاریخ خلیفة بن خیاط*، تحقیق فواز، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۵ق/۱۹۹۵م.

۳۰. عبدالبر، أبو عمر یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، *الاستیعاب فی معرفة الأصحاب*، تحقیق علی محمد البجاوی، بیروت: دار الجیل، ۱۴۱۲ق/۱۹۹۲م.

۳۱. فیض الاسلام اصفهانی، علی نقی، *ترجمه و شرح نهج البلاغة*، ۲جلد، چاپ پنجم، تهران: مؤسسه نشر تألیفات فیض الإسلام، ۱۳۷۹.

۳۲. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، *الکافی*، ۸ جلد، چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ ق.

۳۳. مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق

۳۴. محمد بن اسماعیل بخاری، *صحیح بخاری*، استانبول: المکتبة الاسلامیة، ۱۴۰۳ق.

۳۵. مسعودی، أبو الحسن علی بن الحسین المسعودی، *مروج الذهب و معادن الجوهر*، تحقیق داغر، چاپ دوم، قم: دار الهجرة، ۱۴۰۹ق.

۳۶. مسلم بن حجاج، نیشابوری، *صحیح مسلم*، تصحیح طرابلسی، استانبول: دار الطباعة العامرة، ۱۳۳۴ق.

۳۷. مفید، محمد بن محمد، *الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، ۲جلد، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.

۳۸. مفید، محمد بن محمد، *الجمل و النصرة لسید العترة فی حرب البصرة*، ۱جلد، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.

۳۹. مفید، محمد بن محمد، *الأمالی*، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.

۴۰. نجاشی، احمد بن علی، *رجال النجاشی*، ۱جلد، چاپ ششم، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۳۶۵ .

۴۱. نجمی، محمد صادق، *میقات حج*، ۲شماره، ۱۳۷۳.

۴۲. نوری، حسین بن محمد تقی، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، قم: مؤسسة آل‌البیت علیهم السلام، ۱۴۰۸ق.

۴۳. نورالدین، علی بن احمد سمهودی شافعی، *وفاء الوفا باخبار دار المصطفی*، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۷ق.

۴۴. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب ابن واضح یعقوبی، *تاریخ یعقوبی*، ترجمه آیتی، چاپ ششم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۱.